



خانواده

وقتی آقای پاز برای خواستگاری ام آمد چون تازه مسلمان بود، پدرم ایشان را نمی شناخت و جواب منفی داد. پس از بازگشت ایشان به آرژانتین پدرم به ازدواج ما راضی شد

۱۶ آبان ۱۴۰۱ • شماره ۹۶۱



چاردیواری

پای صحبت های زنی که تمام قد پای اسلام ایستاد

قانونی که تغییر کرد، حجابی



محمد مهدی

عبدا...زاده

چاردیواری

کوچه خلوت است و برای پیدا کردن منزل خانم اسعد شماره پلاک منازل را از نظر می گذرانیم که مردی روحانی و بلند قامت، در کوچه می پیچد. حدس می زنم باید شیخ پاز باشد. می آید و به ما می رسد. بعد از سلام و احوالپرسی، معلوم می شود منتظر ماست و در جریان بوده که برای مصاحبه با همسرش آمده ایم. وارد حیاط می شویم. حیاط نقلی تر از آن است که در تصور ماست، با صفایی غیر قابل توصیف. بعد وارد خانه ای که در همکف قرار دارد می شویم. سادگی و بی آلایشی خانه چشمم را می گیرد. خانم معصومه اسعد هم برای خوشامدگویی وارد می شود. می دانم در برابر شیخ عبدالکریم پاز، مسئول مسجد توحید در بوئنوس آیرس و اداره مسلمانان در آرژانتین نشسته ام و وی مسلط به زبان های عربی، انگلیسی، اسپانیولی و فارسی است. او در سابق مسیحی بوده اما همزمان با انقلاب اسلامی، آشنایی با مذاهب و فرق گوناگون را به شکل تحقیقی آغاز کرده و در حال حاضر شیعه است. آنچنان زیبا و راحت فارسی حرف می زند که به نظر می آید زبان مادری اش باشد. شرح حال این خانواده فرهنگی و مهاجر را کم و بیش مطالعه کرده ام و اطلاع دارم که خانم معصومه اسعد پاز سال ۱۹۶۶ میلادی در آرژانتین متولد شده است. او سه سال در رشته پزشکی درس خوانده و پس از ازدواج، همراه همسرش به ایران آمده و حدود سه سال در جامعه الزهرا (علیها السلام) تحصیل کرده. سال ۱۹۹۳ به آرژانتین بازگشته و به عنوان مبلغ در مسجد التوحید مشغول تدریس و تبلیغ علوم دینی و قرآنی شده. خانم اسعد پاز مادر سه فرزند به نام های فاطمه معصومه، مریم و زهراست. او با زبان های انگلیسی، عربی و فارسی آشنا و به زبان اسپانیولی مسلط است. خانم اسعد پاز ریاست سازمان زنان مسلمان در آرژانتین OA، مسئولیت بخش زنان روزنامه مؤذن، مسئولیت کمیته اسلامی امداد های اجتماعی AIAS و مسئولیت انستیتیوی آرژانتین فرهنگ اسلامی را برعهده دارد. وی سال ۲۰۰۴ لیسانس جامعه شناسی را از دانشگاه بوئنوس آیرس گرفته و در گفت و گوهای متعدد رادیویی و تلویزیونی آرژانتین به منظور تبیین و اعتلای فرهنگ اسلام و قرآن شرکت کرده است. یکی دیگر از خدمات خانم اسعد به جهان اسلام ترجمه برخی متون به زبان اسپانیولی است؛ مثل رساله امام خمینی و کتاب فروغ ابدیت.

■ خانم اسعد، از خانواده تان بگویید.

من معصومه اسعد، فرزند احمد مصطفی، اهل آرژانتین هستم. یک خواهر و دو برادر دارم. پدرم مغازه دار بود و لوازم شکار و میوه فروشی داشت. خانواده من به دین اسلام خیلی اهمیت می داد. پدرم لبنانی الاصل است. با این که تمام روز را کار می کرد، ولی هر روز بعد از غذا خوردن با صوتی دلنشین و لحنی دوست داشتنی قرآن تلاوت می کرد. وقتی مسلمانی

از دنیا می رفت از وی دعوت می شد که در مجالس عزاداری

قرآن بخواند. پدر بزرگ مادری ام نیز فردی معنوی بود. وی ۱۰ فرزند

داشت، در منزل کفش می دوخت و همزمان قرآن می خواند و برای ما توضیح می داد. او فرد خیری بود و به هر متقاضی، چه مسلمان و چه غیر مسلمان کمک می کرد.

■ از دین مردم آرژانتین بگویید.

بیشترین جمعیت آرژانتین از اروپا آمده اند. پایتخت آن بوئنوس آیرس و زبان رسمی آن اسپانیولی است. اکثر مهاجرین از اسپانیا، ایتالیا و آلمان هستند. بیشتر مردم آرژانتین مسیحی کاتولیک هستند، ولی با کلیسا ارتباط ندارند و حتی خواهان جدایی از کلیسا هستند. مردم مسلمان آرژانتین بیشتر لبنانی یا سوری اند. در کل تعداد شیعیان حدود ۵۰۰ هزار

نفر و تعداد اهل سنت حدود یک میلیون نفر است. اکثر این تعداد هم

مهاجرانی از سوریه و لبنان هستند. آنجا شیعیان مظلومند

■ درباره چگونگی گسترش اسلام در آرژانتین اطلاعی دارید؟

با تشریف فرمایی حجت الاسلام ربانی در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی به آرژانتین، همه چیز دگرگون شد. وی جهت تبلیغ به کشور ما آمده بود. تا آن زمان ما حتی مسجد و کتاب مذهبی به زبان اسپانیولی نداشتیم. اولین سفیر جمهوری اسلامی ایران در آرژانتین آقای سالاری بود. وی نیز کمک کرد تا توانستیم زمینی را برای ایجاد مرکز اسلامی و مسجد التوحید بخریم. این مرکز برای ما خیلی ارزش داشت. چون همه برای نماز خواندن به آنجا می رفتیم. بسیاری افراد نماز خواندن را در مسجد یاد گرفتند. در آنجا همه فعالیت ها در مسجد است. ترجمه فروغ ابدیت، و رساله احکام امام خمینی (قدس سره) را در مسجد انجام دادیم.

■ چطور با آقای پاز آشنا شدید؟ در همان مسجد؟

بله. در سال ۱۹۸۳ که مسجد التوحید تشکیل شد از اولین طلاب آقای کریم پاز بودم. برای من ایشان مهم بود چون خودم از یک خانواده مسلمان بودم اما نماز نمی خواندم و حجاب هم نداشتم ولی می دیدم آقای پاز که مسلمان شده، همه چیز را رعایت می کند. در مسجد التوحید هم امام جماعت بود و هم تبلیغ می کرد. آقای پاز اولین طلبه آرژانتینی در سال های ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۶ در مسجد بود. آشنایی با روحانیون اعزامی از ایران ایشان را علاقه مند به حوزه کرد و بعد راهی ایران شد. وی به مدت چهار سال در ایران مشغول تحصیل در حوزه شد. من نیز در این مدت پزشکی می خواندم. وقتی برگشت من هم طلبه مسجد شده بودم. ایشان مدیریت مسجد توحید را در اختیار داشت. آقای پاز غیر از آرژانتین در کشورهای شیلی، کلمبیا، کاستاریکا و جاهای دیگر هم کار تبلیغی می کرد.

■ چطور شد که با آقای پاز ازدواج کردید؟

وقتی آقای پاز برای خواستگاری ام آمد چون آلمانی و تازه مسلمان بود، پدرم ایشان را نمی شناخت و جواب منفی داد. پس از بازگشت ایشان به آرژانتین پدرم به ازدواج ما راضی شد و با هم ازدواج کردیم.

■ راستی، چرا طلبه شدید؟

وقتی دانشجوی پزشکی بودم، به طور مستمر به مسجد می رفتم و در کلاس های آن شرکت می کردم. با توجه به نیازی که به تبلیغ و معرفی اسلام و وجود داشت، به این نتیجه رسیدم که اگر نصف وقتم را صرف خواندن دروس پزشکی کنم و نصف آن را به مطالعات حوزوی و دینی اختصاص دهم، کافی نیست و بهتر است که تمام وقت، توان و استعدادم را در راه کسب علوم اسلامی و تبلیغ اسلام صرف کنم. حاج آقای ربانی من را تشویق کرد که برای تحصیل در جامعه الزهرا (علیها السلام) به ایران بیایم، ولی پدرم اجازه نمی داد اما با مشکلات بسیار تصمیم گرفتم برای تحصیل علوم حوزوی به ایران بیایم.

■ چرا ایران؟

آن زمان می گفتند زن ایرانی خیلی تحت ظلم است و نمی تواند از خانه

بیرون بیاید. در حالی که من در آرژانتین با خانم های ایرانی آشنا شدم و خلاف این را مشاهده کردم. آنها در آرژانتین مشغول تحصیل در رشته های مختلف پزشکی بودند. من تعجب می کردم چطور زنانی برای تحصیل آمده اند؛ برخی از آنها با حجاب فعالیت علمی و اجتماعی داشتند و این مسأله به دلیل تبلیغ منفی که شده بود تعجب آور بود که چگونه زن های مسلمان ایرانی به دانشگاه می روند. برای همین علاقه مند شدم به ایران بیایم، به ویژه این که آقای پاز هم از ایران خوب تعریف می کرد. پس از ازدواج به ایران آمدم. ابتدا مشغول یادگیری زبان فارسی شدم و پس از آن ادبیات عربی خواندم.

■ اولین سفرتان به ایران چقدر طول کشید؟

پس از سه سال تحصیل در جامعه الزهرا (علیها السلام) جهت پرداختن به امر تبلیغ دین و نیاز شدیدی که جامعه خودمان داشت به آرژانتین بازگشتم. همچنین آن زمان اولین دخترم که نامش فاطمه معصومه است، به دنیا آمده بود و باید با خانواده دیدار می کردم. ابتدا علوم سیاسی می خواندم که برایم جالب نبود. برای همین تغییر رشته دادم و در رشته علوم اجتماعی ادامه تحصیل دادم تا از محتوای آن بیشتر در امر تبلیغ استفاده کنم. لیسانس جامعه شناسی ام را گرفتم. در آن زمان حاج آقای ربانی و همسرشان هنوز مشغول امر تبلیغ در آرژانتین بودند. زمانی که ایشان دیپلمات ایران در آرژانتین شد، مسجد التوحید بدون روحانی ماند. سکونت ما در بوئنوس آیرس و تحصیل همسر در حوزه، شرایط مناسبی را فراهم کرد و ما برای فعالیت در مسجد انتخاب شدیم. حدود دو سال مشغول فعالیت تبلیغی و فرهنگی بودیم.

■ فعالیت های تبلیغی در آرژانتین سخت نبود؟

در آرژانتین مسلمان، مسیحی و یهودی زندگی می کنند. یهودی ها